

## پدیدارشناسی زبان فضا در باع ایرانی مبتنی بر مراتب وجودی انسان از منظر اسلام؛ نمونه موردنی باع دولت آباد یزد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

کد مقاله: ۵۵۵۵

راضیه لبیب‌زاده<sup>۱</sup>\*

### چکیده

تحقیقات نشان می‌دهد ساختار باع ایرانی، فراتر از شرایط اقلیمی، جلوه‌گر ایده‌های معنوی و متأثر از شرایط زمان و مکان است. باع‌سازی دوران اسلامی نیز با همین دیدگاه و براساس تعاریف قرآن از بهشت شکل گرفته است، از طرفی براساس قاعده نهی اسلام از انجام امور بیهوده، به نظر می‌رسد که هر پدیده‌ای (از جمله باع) در دوران اسلامی باید برای تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها ایجاد شود. بنابراین هدف این مقاله بررسی ساختارهای طراحانه باع ایرانی-اسلامی با توجه نیازهای مخاطبان از منظر اسلام است. برای دستیابی به این هدف، با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی زبان فضایی (سیماشناسی، موضع‌شناسی و گونه‌شناسی) باع دولت‌آباد یزد (به عنوان نمونه‌ای از باع‌های دوران اسلامی) مورد مطالعه قرار گرفته است و نیازهای انسان از منظر اسلام، مبتنی بر حدیث امام علی (ع) از مراتب چهارگانه نفس استوار شده است. براساس یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد که کالبد و محتوای باع اسلامی لازم و ملزم یکدیگر بوده و در چهار سطح نیازهای متناظر با نفس انسان را پاسخگو هستند، به صورتی که برآوردن نیازهای مادی و حسی مخاطبان در فضای باع به صورت نسبی، ولی بستری برای اغذی نیازهای عقلانی و روحانیست، زیرا سیر تکامل انسان امری درونی و آگاهانه است.

**واژگان کلیدی:** اسلام، مراتب نفس، نیازهای انسان، زبان فضا، باع دولت آباد.

۱- استادیار، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، r.labibzadeh@gmail.com

## ۱- مقدمه

باغ ایرانی تجلی ایده‌های معنوی و نحوه جهان‌بینی انسان‌ها در دوران‌های مختلف بوده و ساختار آن منطبق بر ارزش‌های ویژه‌ای تشکیل شده است<sup>۱</sup>، باغسازی دوران اسلامی نیز از این قاعده خارج نیست و با توجه به ایده‌ها و ارزش‌های معنوی جامعه مبتنی بر توصیفات قرآن از بهشت و متناسب با شرایط زمانی و مکانی شکل گرفته است (لیبیزاده، ۱۳۹۰)، با توجه به این موضوع که باغسازی دوران اسلامی جلوه‌گر ایده‌های معنوی و نمایان‌گر بهشت برروی زمین بوده است، این پرسش مطرح می‌گردد که باغسازی ایرانی در دوران اسلامی چگونه پاسخ‌گوی سلسله نیازهای مخاطبان بوده است. اهمیت این مسئله بدان جهت است که مشخص شود باغ ایرانی در دوران اسلامی علاوه بر آنکه تبلور ایده‌های معنوی آن دوران است، به صورت نسبی پاسخ‌گوی نیازهای مخاطبان نیز هست، بنابراین تبیین این موضوع در جهت تکمیل نظریه شکل‌گیری باغ براساس ایده‌های معنوی اهمتی ویژه‌ای دارد.

خداوند در آیاتی از قرآن کریم، از جمله آیه ۶۲ سوره مریم، آیات ۱ و ۳ سوره فرقان و آیه ۵۵ سوره قصص، اجتناب از هرگونه کار لغو و بیهوده را امری مطلوب و پسندیده برشمرده و از مؤمنان خواسته تا از نزدیکی و عمل به این کارها اعراض نمایند. بنابراین اصل، هر پدیده‌ای (از جمله باع) در جوامع اسلامی باید برای مخاطبان مفید بوده و وسیله‌ای برآوردن نیازهای مختلف آنان باشد. چون یکی از اصول اسلام برای ایجاد پدیده‌های مختلف، تعریف فایده برای آن و پرهیز از انجام امور بیهوده و عبث است و شرط مفید بودن هر پدیده‌ای برآوردن نیازهای مخاطبان به صورتی شایسته بیان می‌شود، پس باغسازی این دوران نیز باید سلسله نیازهای مختلف مخاطبان را برآورده سازد. این پژوهش سعی دارد که باغسازی ایرانی در دوران اسلام را از نظر چگونگی تشكیل ساختار کالبد و محتوای آن برای پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف مخاطبان مورد بررسی قرار دهد. لازم به ذکر است که مبنای این پژوهش براساس تعاریف اسلام از انسان و نیازهای وی شکل گرفته و به نظر می‌رسد که با توجه به جایگاهی که باغ و باغسازی در جامعه داشته، جنبه‌های گوناگون آن در سطوح مختلف برای برآوردن نیازهای مخاطبان قابل بررسی باشد. بنابراین هدف از این مقاله بررسی باغسازی ایرانی در دوران اسلامی با توجه نیازهای مخاطبان از منظر دین و کشف راهبردهای آن دوران برای ایجاد فضاهای شایسته از نظر برآوردن نیازهای مختلف کاربران است و تأثیرات لایه‌های نفس و نیازهای برآمده از آن بر ساختار باغ مورد مذاقه قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر ضمن اشاره‌ای مختصر به تعریف غربی از انسان و احیاجاش، نیازهای بشر براساس تعاریف اسلامی، متناظر با لایه‌های مختلف نفس بیان شده و معیارهایی برای بررسی نموده برآوردن نیازهای مخاطبان در ادبیات پژوهش، شناسایی و مطالعه گردیده و برای بازخوانی این معیارها در فضای باغ، از مولفه‌های زبان فضای شولتز بهره گرفته شده است.

این پژوهش در صدد بیان یک نظریه هنجاری<sup>۲</sup> در باغسازی ایرانی براساس آموزه‌های اسلام برای برآوردن نیازهای مخاطبان است، و برای اثبات آن، باغ دولت آباد یزد به عنوان یکی از باغ‌های احداث شده در دوران اسلامی به روش پدیدارشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد، همانگونه که گفته شد، پدیدارشناسی فضای باغ با استفاده از مولفه‌های زبان فضای شولتز (۱۳۹۵) صورت گرفته و پس از آن با استفاده از روش تحلیل و استدلال منطقی نسبت به بررسی راهبردهای طراحانه فضای باغ برای پاسخ‌گویی به سلسله نیازهای مخاطبان مباحثی مطرح می‌گردد.

با توجه به جهت‌گیری این تحقیق در دو زمینه «باغ» و «نیازهای مخاطبان»، جستجوی هر دو زمینه برای بیان مبانی پژوهش ضروری به نظر می‌رسد، تاکنون مطالعات فراوانی پیرامون باغ و باغسازی ایرانی از مناظر گوناگون صورت گرفته است (حیدرنتاج، ۱۳۸۸؛ فلامکی، ۱۳۹۱؛ انصاری، ۱۳۸۵؛ نقویزاده، ۱۳۹۲؛ نقوی، ۱۳۹۰؛ پهشتی، ۱۳۸۷)، استرونوناخ (۱۳۷۰) با بررسی باغ پاسارگاد نظریه تاثیرپذیری ایجاد چهارباغ در باغ‌های ایرانی در ادوار مختلف را براساس الگوبرداری از باغ پاسارگاد مطرح می‌سازد، اما با بررسی‌های صورت گرفته به نظر می‌رسد که این نظریه با چالش‌های جدی رو به رو است،<sup>۳</sup> پوپ (۱۳۸۷) در جلد سوم کتاب «سیری در هنر ایران» مقاله‌ای تحت عنوان «باغ‌ها» تالیف کرده و به معرفی باغ ایرانی پرداخته است. محتوای مقاله از یک سو سیر تاریخی باغ ایرانی از گذشته دور تا دوران قاجار را به تصویر کشیده، و از سوی دیگر از مطالب کلی (باورها و اعتقادات) تا جزئیات باغ‌ها همچون انواع درختان و تزیینات را شامل می‌شود. مقاله در بخش‌های مختلف به موضوعاتی چون تاریخچه باغ ایرانی، اهمیت، منظور و هدف از ساخت باغ در ایران و نقش آن در زندگی ایرانیان، طرح و مشخصات باغ‌های ایرانی (با ذکر خلاصه یا مفصل برخی مصادیق در داخل و خارج از ایران) معرفی منابع مختلف جهت شناخت باغ ایرانی، عناصر و اجزاء باغ ایرانی و مشخصات آن‌ها از جمله آبنمایها، درختان، بوته‌ها و گل‌ها، تزیینات، حیوانات و... پرداخته است. نعیما (۱۳۹۲) در کتاب باغ‌های ایرانی به بررسی باغ بر حسب زمان، مکان و کالبد می‌پردازد، به نظر وی انواع باغ براساس کارکرد آن شامل باغ میوه، باغ سکوتی، باغ حکومتی، باغ حکومتی-سکوتی و باغ مزار می‌باشد که مبتنی بر شرایط گوناگون جغرافیایی به صورت باغ هموار، باغ تپه، باغ

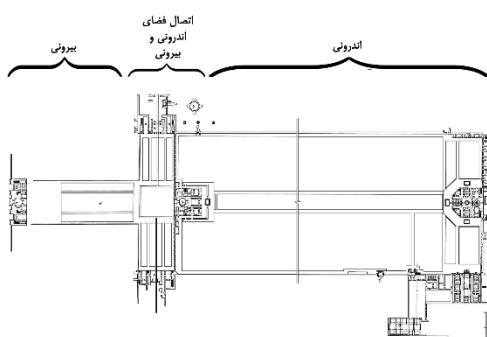
۱ برای مطالعه بیشتر رک «بررسی تطبیقی تاثیر ایده‌های معنوی در شکل باغ».

۲ طبق بیان لنگ (۱۳۹۳) این نظریه مبتنی بر جهان‌بینی و نگرش نظریه‌پرداز است.

۳ رک «تقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل گیری باغ ایرانی» و رک پی‌نوشت.<sup>۱</sup>

خانه، باغ مجاور رودخانه و باغ آبی به وجود آمده‌اند. با توجه به بهره‌گیری از روش تحقیق پدیدارشناسی در مقاله حاضر، بخش قابل توجهی از ادبیات موضوع در خلال بحث مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲- شاخصه‌های ساختاری باغ دولت آباد و مبانی نظری آن



شکل ۱- پلان باغ دولت آباد، این باغ به عنوان فضای سکونتی-حکومتی دارای براساس نیازهای مخاطبان دارای دو بخش اندرونی و بیرونی می‌باشد (ماخذ: ویلبر، ۱۳۹۰).

هشت باغ دولت آباد که به اختصار باغ دولت آباد نامیده می‌شود از مجموعه‌های مشهور دوره زندیه می‌باشد که قدمت ساخت آن به سال ۱۱۶۰ هجری قمری باز می‌گردد (قهاری، ۱۳۷۹) و شامل عمارت سردر (معروف به بهشت آیین)، عمارت هشتی (معروف به عمارت بادگیر)، تالار طنبی، عمارت طهرانی، تالار آیینه، عمارت سردر شمالی، اصطبل بزرگ، آب‌آبار، سایر اینیه‌های خدماتی و عناصر طبیعی است که فضای اندرونی و بیرونی را تشکیل داده‌اند (تصویر ۱).

وجه شهرت این باغ، بادگیر ۳۰ متری آن و قناتی به درازای ۶۳ کیلومتر برای انتقال آب به این فضاست (پیرنیا، ۱۳۸۹). این باغ از جمله باغ‌های مهم ایرانیست که در دوران اسلامی و براساس جهان‌بینی آن دوران احداث شده است، بنابراین می‌توان فضای باغ و عناصر تشکیل دهنده آن را از منظر اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای مخاطبان مورد تحلیل قرار داد.

در این پژوهش برای خوانش، بررسی و تحلیل فضای باغ [به عنوان فضای آراسته‌ی سکونتی] از نظریه زبان فضای شولتز (۱۳۹۵) به عنوان صاحب نظر در تفکر شناخت وجودی بهره گرفته شده است، زبان فضای مطرح شده به عنوان «مخرج مشترک» برای اتصال انواع شیوه‌های سکونت توسط وی بیان شده است، بنابراین برای تبیین ساختار فضایی باغ و عوامل سازنده آن دسته-بندی زیر مطرح می‌گردد و فضاهای باغ برای اساس مورد بررسی قرار می‌گیرند:

- گونه شناسی<sup>۱</sup>
- سیما شناسی<sup>۲</sup>
- موضع شناسی<sup>۳</sup>

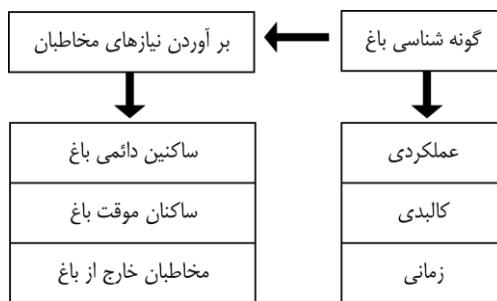
### ۲- گونه شناسی باغ دولت آباد

گونه شناسی یا تیپولوژی، مفهومی برای بیان تجلیات انواع شیوه‌های سکونت است و به جهانی سرشار از هویت‌های واحد معنا شکل می‌بخشد، این مفهوم به بعد معنایی معماری اشاره دارد و توسط نمادپردازی در مکان به انجام می‌رسد، تیپولوژی تمامی سطوح محیطی را در خود می‌گنجاند. گونه شناسی خمیره و جوهره معماری بوده و بر اسامی در زبان محاوره منطبق می‌باشد و اصل وجودی ساختارهای معماری را آشکار می‌سازد، بدین ترتیب موجودیت‌های گونه شناسی به نمایندگی آن چه که عمومیت دارد مطرح شده در حالی که اثر منفرد به عنوان با اندک تغییر یافتن حول محور آن با شرایط زمان و مکان سازگار می‌گردد (شولتز، ۱۳۹۵: ۴۴ و ۴۶). بنابراین تعریف فوق، گونه شناسی باغ دولت آباد را بر سه دیدگاه می‌توان دسته بندی کرد: کالبدی، عملکردی و زمانی؛ با توجه به وجود دو قسمت بیرونی و اندرونی در دولت آباد، مخاطبانی که از این فضاهای استفاده می‌کنند و نحوه کاربری هر فضایی می‌توان چنین بیان کرد از نقطه نظر گونه شناسی عملکردی، باغ دولت آباد با غی «سکونتی-حکومتی» می‌باشد. به نحوی که باغ بیرونی محل انجام تشریفات حکومتی، مراسم ورزشی و اداره امور شهر بوده است و باغ اندرونی، بخش خصوصی و اقامتگاهی مجموعه به شمار می‌رفته است. «در باغ‌های سکونتی-حکومتی انصاره اندرونی را از سایر عرصه‌ها کاملاً متمایز می‌کردد و حتی در بیان یا حاجی را برای نظارت بر آن تعیین می‌کردد»، (حیدرنتاج، ۱۳۸۹)، بنابراین به نظر می‌رسد که ساکنان دائمی باغ و افراد مراجعه کننده به دستگاه حکومت، دو گروه از مخاطبان فضاهای باغ باشند، اما با توجهی بیشتر می‌توان گفت که علاوه بر دو گروه فوق الذکر، مخاطبان خارج باغ به عنوان مخاطبان منظر، منظور گردیده‌اند. از دیدگاه کالبدی، دولت آباد از نوع «باغ-حیاط» به شمار می‌رود زیرا ساختمان‌ها و عمارت‌آن در اطراف باغ قرار می‌گیرد (نمایما، ۱۳۹۲)، این کالبد برای پاسخ‌گویی به سلسله نیازهای مختلف کاربران و مراجعین باغ ایجاد شده و مخاطبان گروه سوم بهره‌ای از کالبد باغ-حیاط نداشته و همچنان از منظر آن استفاده می‌کنند (نمودار ۱).

1 typology

2 morphology

3 topology



برای گونه‌شناسی زمانی باع دولت آباد لازم است که به سبک معماری و شهرسازی زمان احداث باع مراجعه گردد، بنابر نظر پیرنیا (۱۳۸۹) باع دولت آباد براساس دیدگاه‌های سبک اصفهانی احداث شده است، سبک اصفهانی که تجلی آرمان‌های و ارزش‌های معماری و شهرسازی بوده (حیبی، ۱۳۹۳) و به تمامی ابعاد در احداث فضاهای شهری در مقیاس‌های گوناگون توجه نموده است، بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به احداث باع در دوره‌ای از معماری ایران که حداکثر معناگرایی در فضاهای شهری ظهور پیدا کرده است، بنابراین به نظر می‌رسد که توجه به محتوا و معنا در فضاهای گوناگون باع دولت آباد نیز به صورت حداکثری صورت پذیرفته باشد. با توجه به گونه‌شناسی باع دولت آباد جنین به نظر آمد که باع برای پاسخ‌گویی به سلسله نیازهای سه گروه از مخاطبان ایجاد شده، و سیمای باع و مواضع هر کدام از عناصر براساس پاسخ‌گویی به برخی از نیازهای مخاطبان یاد شده شکل گرفته باشد. براساس مطالب بیان شده، به نظر می‌رسد که گونه‌شناسی باع و بکارگیری روش‌های مختلف در به وجود آوردن کالبد باع، برای پاسخ‌گویی نسبی به نیازهای مختلف مخاطبان دو گروه اول، و منظر باع، برای برآوردن برخی از نیازهای غیر مادی مخاطبان خارج از باع باشد.

## ۲-۲- سیماشناسی در باع دولت آباد

سیماشناسی به چگونگی شکل مصنوع پدیده مربوط بود و در هریک از آثار منفرد معماری در قالب «تفصیل صوری» انسجام می‌یابد، باید این نکته را بیان کرد که وقوف بر سیماشناسی با عنایت به هستی بین زمین آسمان یعنی ایستادگی، برخاست و گشودگی صورت می‌پذیرد<sup>۱</sup>، سیماشناسی در مجموع به بررسی ساختار مادی کف، جداره و بام می‌پردازد (شولتز، ۱۳۹۵: ۴۰-۴۲) و با بیان مزهای فضایی به عنوان وسیله‌ای برای توضیح مشخصه محیط مطرح می‌گردد (همان: ۱۰). بنابراین می‌توان مطرح نمود که فضای باع دولت آباد نیز به مانند هر مکان دیگر تابع شکل مزهای خود می‌باشد، پس بررسی آن می‌توان به سه صورت نسبت به سیماشناسی فضا اقدام نمود، اول سیمای خارج از دیوارهای باع به عنوان کلیتی منسجم (سیماشناسی باع به عنوان آبادی)، دوم سیماشناسی عناصر تشکیل دهنده فضای باع بیرونی و تاثیرات آن‌ها بریدگر (سیماشناسی فضاهای باع به عنوان نهاد عمومی) و سوم سیماشناسی فضاهای اندرونی باع (سیماشناسی به عنوان خانه)، (با اقتباس از شولتز، ۱۳۹۵) با توجه به بررسی نحوه پاسخ‌گویی فضاهای باع به نیازهای مخاطبان و تنوع فضایی نمونه مطالعاتی، سعی برآن بوده است که در این نوشتار به بررسی فضاهای باع براساس هر سه حالت ممکن پرداخته گردد.

همانطور که بیان شد، در بررسی سیمای باع به عنوان یک آبادی، دیوار محدوده اصلی باع را در دل کویر مشخص کرده و باعث چیرگی کیفیت فضای باع بر محیط گردانید آن شده و دلیل خوانده شدن باع به عنوان مکان را فراهم می‌آورد، در این آبادی خط آسمان از اهمیتی کارساز برخوردار است و مخاطبان را از موقعیت آن آگاه می‌سازد، آنچه که موجب شناسایی خط مذبور می‌گردد پیکره‌ای (به طور مثال گنبد یا برج) خواهد بود که به نحوی از زمین برخاسته و جهت آسمان در پیش گرفته است (شولتز، ۱۳۹۵: ۵۵)، عنصر شاخص در بررسی خط آسمان سیمای کلی باع، بادگیر ۳۰ متری آن است، به صورتی که این عنصر به عنوان نشانه منظر شهری شناخته می‌شود (تصویر ۲). به نظر می‌رسد این منظر و برج بادگیر آن نمادی از ایستادگی و برخاستن است و عامل ارتباط زمین و آسمان است، بنابر نظر شولتز (۱۳۹۵: ۱)، «هر برج به یکی از شیوه‌های هستی بین زمین و آسمان تجسم بخشیده و این کار را به وسیله مشخص نمودن مرکزی ساخته انسان به انجام می‌رساند، پس دورنمای همگون را با آدمی همچوar می‌سازد، در نتیجه برج در قالب واسطه وحدت آفرین بیرون و درون عمل کرده و کیفیت هستی در مکانی مفروض را نمودار می‌سازد». براساس تعریف دین از نفس انسان و نیازهای وی، ایجاد نمادپردازی در فضا و تداعی مقاهم وحدت آفرین پاسخ‌گویی فضا به نیازهای عقلانی و روحانی را پدید می‌آورد (نقره کار، ۱۳۹۳) بنابراین به نظر می‌رسد که سیماشناسی باع دولت آباد (به عنوان آبادی) برای برآوردن برخی از نیازهای حسی، عقلانی و روحانی مخاطبان خارج از باع باشد، با در نظر گرفتن این موضوع که

<sup>1</sup> ایستادن و برخاستن میین و استگی به زمین و آسمان بوده و گشودن به نفوذ متقابل بین بیرون و درون گفته می‌شود (شولتز، ۱۳۹۵: ۴۰).

برآوردن نیازها به صورت سلسله مراتبی صورت می‌گیرد، نیازهای مادی مخاطبان خارج از باغ به وسیله فضاهای سکوتی ایشان تامین می‌گردد، پس سیمای باغ می‌تواند پاسخ‌گوی برخی از نیازهای غیر مادی مخاطبان بیرون از فضا می‌باشد.



شکل ۳- دیوار اصلی باغ به عنوان شکلدهنده به فضاهای داخلی باغ، با بررسی نقش می‌توان بیان کرد که این عنصر مصنوع نقشی فراتر از حفاظت فیزیکی دارد و منجر به شکل‌گیری مفاهیم درون‌گرایی و تمیز دنیای درون و بیرون باغ می‌شود (ماخذ: نگارنده)

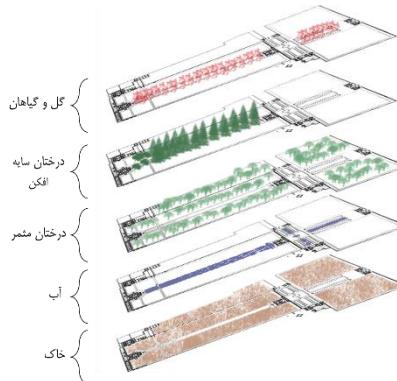
شکل ۲- خط آسمان به عنوان عامل کارساز در شناسایی آبادی، خط آسمان باغ دولت آباد به وسیله بادگیر ۳۰ متری آن به عنوان نشانه شهری قابل خوانش است (ماخذ: نگارنده).

اولین عنصری که باعث مواجه شدن مخاطبان با کالبد باغ می‌شود، دیوار باغ است، دیوار از مهم‌ترین عناصر امنیتی است و همچنین یک چارچوب انسان-ساخت برای تمامی فضاهای دیگر باغ می‌باشد، دیوار «جایی بودن» و هندسه باغ را تعیین می‌کند، دیوار باغ در وهله اول حفاظت باغ در مقابل حیوانات وحشی و آسیب رساندن به محصولات، محافظت باغ و ساکنین در برابر دشمنان و جلوگیری از عدم تسخیر آن را دارد، علاوه بر این دیوار باغ کارکردهای اقليمی نیز دارد. دیوار ساخته شده ازصالح بوم آورد و ایدری باغ آباد مانع از نفوذ بادهای خشک و شن‌های روان کویر به داخل باغ شده و مانع از خروج رطوبت ایجاد شده داخل باغ به خارج می‌گردد. با دیدگاهی معناگرایانه می‌توان گفت که دیوار باغ باعث تمایز درون با بیرون و تعریف باغ بودن باغ است (تصویر ۳). آنچه که در دیوار به چشم می‌آید سادگی و پرهیز از ایجاد تجمل است. دیوارهای باغ درون‌گرایی و حفظ محیط را برآورده کرده و در عین حال که کوشک اصلی فضایی بیرون گراست، به واسطه وجود دیوار پیرامونی، فضایی درون‌گرا در باغ شکل گرفته است، بنابراین به نظر می‌رسد که می‌توان برای دیوار باغ نقشی فراتر از کالبد و عملکرد صرف بیان نمود.

پس از گذر از سیمای خارجی باغ و دیوار به عنوان حد وسط بین درون و بیرون، در داخل باغ اینهای قابل خوانش است که تجلی ارزش‌های مشاع در باغ است، سیماشناسی باغ بیرونی براساس اصول نهاد عمومی شکل می‌گیرد. در این فضا، بناها در قالب مجموعه‌ای از موسسات به ساختار رسیده است (شولتز، ۱۳۹۵: ۱۱۱). بناهای عمومی باغ به عنوان یک نهاد، به مقتضی شرایط حکومتی دوران احداث و براساس نیاز وجود فضایی عمومی و برای برآوردن نیازهای ساکنین موقعی باغ شکل گرفته است، دو عمارت سردر به نامهای سردر شمالی و سردر بهشت آیین ورودی باغ بیرونی و اندرونی در مقابل بیگانگان داشته و موجب ایجاد امنیت در حاجبیان باغ را تامین می‌کند، این فضاهای نقش موثری در حفظ طهرانی و تالار آینه نیز نیاز مخاطبان به اداری ایجاد فضایی در باغ می‌گردد. همان‌گونه که ذکر گردید عمارت طهرانی و تالار آینه نیز فضاهایی اداری برای اقامت ملازمان و حاکمان شهر بوده و آسایش و آرامش باشندگان فضا را تامین می‌کرده است، وجود آب انبار نیز نیاز مخاطبان به دسترسی آب بهداشتی را مرتყع می‌نماید. همچنین گشودگی و ارتباط فضای مصنوع به صورتی با طبیعت باغ در ارتباط است که منجر به ادراک فضایی مناسب با توجه به بکارگیری حواس مختلف ایشان می‌گردد (تصویر ۴)، این فضاهای با استفاده از رنگ و نور و ایجاد بافت مناسب در کف، جدارهای سقف توجه کامل به تاثیر فضا بر رفتارهای مخاطبان دارد، وجود مقیاس‌های انسانی ناشی از توجه به حس آرامش روانی فضا و برآوردن نیازهای حسی مخاطبان است. در باغ‌سازی ایرانی محور اصلی باغ به عنوان سیمای اصلی باغ مطرح است و محل حضور عناصر معنایی و کالبدی باغ می‌باشد، بنابراین برای سیماشناسی اندرون باغ آباد نیز محور اصلی باغ مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در سیمای باغ، کف به عنوان بستر و زمینه خنثی عامل وحدت بخشیدن به دیگر عوامل است (همان: ۸۹) کف در باغ دولت آباد متشکل از عناصر کالبدی مختلف شکل گرفته است، خاک و آب عناصر پایه در بافت و ماده کف منجر به شکل‌گیری عناصر طبیعی زنده مثل درختان و گیاهان شده‌اند (تصویر ۵).



شکل ۴- نمای سردر بهشت آیین، گشودگی فضایی و حداکثر ارتباط با طبیعت در این بنا منجر به تحریک حواس مختلف مخاطبان می‌گردد، (ماخذ: نگارنده).



شکل ۵- عوامل تشکیل دهنده کف در سیماشناسی باغ، خاک عامل وحدت بخش و آب عاملی جهت نمایش گشودگی در فضاهای مختلف می‌باشد، این دو ماده پایه شکل‌گیری طبیعت زنده در باغ بوده و فضای باغ را شکل می‌دهند (ماخذ: نگارنده).

این عناصر علاوه بر آن که محیط باز باغ را از نظر آسایش اقلیمی و گغرافیایی در سطح مطلوبی قرار داده است، منجر به بهبود آسایش اقلیمی در داخل فضاهای انسان-ساخت نیز می‌شوند. خاک بستر وجودی انسان‌ها و تمامی عناصر دیگر است، تمامی عناصر طبیعی دیگر باغ نیز ریشه در دل خاک دارند، خاک به وسیله بسترسازی مادی نیازهای لایه اول را برآورده می‌کند، این عنصر در باغ حس‌های بصری، لامسه و بویایی مخاطبان را برمی‌انگیزد. همواره از خاک به عنوان سرشت و سرونوشت آدمی یاد می‌گردد، این ماده که نماد زمین است در احادیث اسلامی به عنوان مادر بشر معرفی شده می‌شود (نقه کار، ۱۳۹۴: ۱۹۲). آب صورت نهان و آشکار در تمامی سطح باغ جریان می‌یابد، ابتدا در زیر بادگیر عمارت هشتی و در یک حوض یکپارچه مرمرین دیده می‌شود که در آن می‌جوشد و بالا می‌آید. سپس به حوضی در وسط این عمارت وارد می‌شود و بعد به سه حوض کشیده مستطیل شکل در سه شاهنشین سرازیر می‌شود. در مقابل ارسی اثاق‌ها، سه سینه کبکی وجود دارد که از سنتگ مرمر است و آن را به شکلی تراشیده اند تا موج ایجاد کند و حجم آب را بیشتر از واقعیت نشان دهد. آب از هر سینه کبکی، وارد یک حوض کوچک می‌شود و از آنجا در آبنمای بزرگ باغ جاری می‌شود. این آبنمای دقیقاً بر محور اصلی باغ قرار دارد و ابعاد آن متناسب با ارتفاع بادگیر عمارت هشتی است، بطوریکه تصویر این عمارت را بگونه‌ای کامل در آب منعکس می‌کند. بعد از آن آب از زیر عمارت سردر وارد باغ بهشت آینه می‌شود و به یک استخر ۱۲ ضلعی بزرگ که در شمال عمارت قرار دارد می‌ریزد و از آنجا به سمت سه استخر مستطیل شکل در سه جانب دیگر سرازیر می‌شود. سپس آب از این استخرها بهسوی خیابان‌ها و آبادی‌ها جاری می‌شود و به مصرف کشت و زرع می‌رسد. در واقع تنها به عبور آب از لایه‌های زیرین زمین و سیراب کردن درختان قناعت نشده است، بلکه آب گوارا به روی زمین آمده و به نمایش داده شده تا روح ساکنان کویر را نیز سیراب کند (بی‌نام، ۱۳۷۸). بنابراین می‌توان بیان کرد که آب در باغ، علاوه بر رفع نیازهای مادی ساکنان و حتی درختان و گیاهان، نیازهای حسی و روانی مخاطبان را با بکارگیری حواس پنج گانه ایشان ارضاء می‌کند، همچنین وجود نمادپردازی در حرکت آب و پنهان آن منجر به شکل‌گیری نظام رمزگونه و دعوت مخاطب به تفکر و آمادگی برای سیر از ظاهر به باطن می‌شود، حرکت آب از زیر درختان می‌تواند نمادی از «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْيَهَا الْأَنْهَارُ» (بقره، ۲۵) و حوض‌های متعدد باغ نمادی از «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثُرَ» (کوثر) باشد. به نظر می‌رسد که در آب یکی از عناصر مهم کالبدی و معنایی در باغ بوده و بخش عظیمی از کارکردهای باغ به واسطه حضور این عنصر برآورده شده است، به نظر می‌رسد که بکارگیری آب در سطوح مختلف کالبد و محتواهای باغ ناشی از آیه شریفه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (انبیاء، ۳۰) باشد، بنابراین می‌توان مشاهده کرد که آب به عنوان مهم‌ترین عنصر در باغ، عامل اصلی در پدید آمدن این فضا می‌باشد.



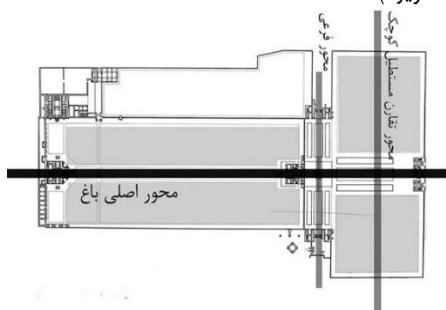
شکل ۶- شکل‌گیری جداره‌ای از درختان، با وجود بهره‌گیری از عناصر طبیعی در شکل‌گیری جداره ولی ایجاد آن براساس طرح سازندگان برای اغنای سلسله نیازهای مختلف مخاطبان بوده است (ماخذ: نگارنده).

در باغ دولت آباد نظم کاشت براساس نظم هندسی کالبد باغ تعیین می شود و بر هندسه آن تأکید می کند. موازی با محور اصلی باغ (حد فاصل عمارت سردر بهشت آیین تا عمارت بادگیر)، دو ردیف کاج و یک ردیف سرو شیرازی کاشته شده است. این محور را می توان جداره کاری در محور اصلی باغ محسوب نمود. این جداره با ایجاد سایه در مسیر اصلی باغ، رهگذاران باغ را از گزند آفتاب سوزان در امان می دارد (تصویر<sup>۶</sup>)، به نظر می رسد که این جداره به صورت یک سامانه هماهنگ برای پاسخگویی به نیازهای مختلف مخاطبی که برای بدرون باغ قدم گذاشته، شکل گرفته باشد، این سامانه در وهله اول آسایش فیزیکی و حرارتی درون باغ را در شرایط مناسبی قرار می دهد، پس از آن با ایجاد چشم اندازها و رایحه ها و حتی با عبور بد از میان شاخ و برگ های درختان حواس مخاطب را هدف قرار داده و منجر به ایجاد آرامش در وی می گردد، ایجاد سایه روشن ها و بازی با نور باعث می گردد که طبیعتی فراتر از نبات و جماد در برابر انسان قد علم کرده و در ایجاد تفکر برای او نقش سرزایی ایفا می کند (با اقتباس از نظر- کار، ۱۳۹۳)، سایه اندازی عناصر طبیعی منجر به ایجاد مسیر و محورهای اصلی دید در باغ می گردد، این محور علاوه بر ایجاد آسایش اقلیمی، بافت و رنگ دلپسندی در جداره های مسیر ایجاد نموده است، همچنین بازی نور و سایه در مسیر باعث ایجاد فضایی رمزگونه در مسیر می گردد، سادگی مصالح و بهره کمی از مصالح ایدری نیز تجلی اصول معماری ایرانی و پرهیز از اسراف و تجمل است. این طبیعت مخلوق خالق واحد است و نگاه به آن می تواند تجلی گر قدرت و علم الهی و ناتوانی پسر در برابر مقام بلندمرتبه حق تعالی باشد، بنابراین می توان در طبیعت سازی را در باغ ایرانی به عنوان الگو در ارتباط با طبیعت قرار داد.

در فضاهای اقامتی باغ می‌توان هم‌آغوشی طبیعت و بنا را مشاهده نمود، بدین صورت که «عمارت هشتی» که در انتهای محور اصلی باغ و متصل به دیوار جنوبی است طرح آن شبیه سایر کوشک های ایرانی است و طبقه فوقانی یک تالار و صفة و منظر دارد، همانگونه که از توصیفات برمی‌آید، با توجه به وجود آب در فضاهای اقامتی می‌توان طراحی فضای همساز با اقلیم خشک کویر را مشاهده نمود، وجود ایوان‌ها در سه طرف بنا برای سایه‌اندازی بوده و طاق‌ها فضایی ایمن و استوار ایجاد کرده‌اند، حداکثر ارتباط با طبیعت در بنا و بازی با نور از جمله مصاديق توجه به نیازهای حسی در سیمایی جداره عمرات بادگیر است، بنای عمارت هشتی در عین ارتباط قوی با طبیعت درون گرا و فضایی بسته دارد، مرکزگرایی برای توجه به اصل توحید، و استفاده از مصالح بوم‌آورد و ایدری برای تداعی مفهوم قناعت در بنا می‌باشد، در این فضا سادگی و دوری از تجمل برای نمایش پرهیز از اسراف قابل ادراک است. بنابراین به نظر می‌رسد سیمایی باغ در مراحل مختلف باعث «نمایان‌سازی»، «تکمیل‌سازی» و «نمادین-سازی» وجوهی از فرایند کلی استقرار یافتن در معنای وجودی کلمه باشد.

### ٣-٢- موضع‌شناسی فضایی باع

موضع شناسی با نظام فضایی در ارتباط بوده و در آثار منفرد معماری در قالب «آرایش فضایی» انسجام می‌یابد، مواضع معماری از مکان مشتق شده و با مفهوم فضای مطلق ریاضی متفاوت است، ساختار فضایی متشکل از عوامل مقدماتی فضای آراسته شامل مرکز، مسیر و حوزه است، این ساختار می‌تواند به شکل کمایش خوانا در سطوح مختلف محیط ظاهر شده و همراه با تعییرات اندک تکرار گردد تا کلیت جامعی را به وجود آورد، برخی از موقع عناصر ساختمانی شکل هندسی مشخصی به خود نگرفته بلکه به صورت صرفاً موضع شناختی یعنی بر حسب همچواری، پیوستگی و بستگی مشخص گردیده و از این رو فضایی مفهمه از محیط نمودار می‌سازند (شولتز، ۱۹۹۴: ۳۹۵) به بیان ساده‌تر می‌توان گفت که موضع شناسی به نظم فضایی مربوط است و درباره فضا با اصطلاحات ریاضی بحث نمی‌کند بلکه خواص و امکانات فضای زنده یا واقعی را بررسی می‌نماید، بحث با نمونه فضای وجودی یعنی مفاهیم مرکز و راه آغاز می‌شود (همان، ۹۰: ۱۰). بنابر مطالب فوق می‌توان در مورد موضع شناسی باع دلت آباد بیان کرد که: باع شامل دو عرصه و فضای اصلی اندرونی و بیرونی است که هر کدام متشکل از عناصر طبیعی و فضاهای انسان-ساخت می‌باشد. با بررسی کلی هندسه باع، مشخص می‌گردد که سطح باع را می‌توان به دو حوزه کلی مستطیلی شکل عمود بر هم (باغ بیرونی و باع اندرونی) تفکیک کرد. محور اصلی حوزه بزرگتر، عمود بر محور اصلی باع بیرونی و محور فرعی حد فاصل فضاهای بیرونی و اندرونی است است (تصویر ۷).



شکل ۷- برخورد متقاطع محور اصلی باغ اندرونی با محور اصلی باغ بیرونی و محور فرعی باغ باعث شکل‌گیری بنایی اصلی باغ پر مبنای جهان‌بینی سازندگان در نقاط برخورد خطوط می‌گردد (ماخذ: عقوبی، ۱۳۸۹).

مسیر اصلی و آبنمای بزرگ باغ به ابعاد ۱۹۴ در ۱۲ متر و همچنین حوض آب باغ بیرونی بر این محور منطبق می باشد. در واقع این محور، همان محوری است که عمارت سردر شمالی و سردر بهشت آین را به عمارت هشتی متصل می کند. «معمار باغ با کاشت درخت در دو جانب محور اصلی، علاوه بر این که سبب تمرکز دید بسوی عمارت های اصلی باغ می شود، موجب عدم محدودیت دید از سوی هر یک از عمارت های سمت منظر باغ نیز می گردد و بر اتصال بصری بین دو عمارت تاکید می کند» (بی-نام، ۱۳۷۸)، «وجود چشم انداز اصلی به شکل مستقیم و کشیده در محور طولی باغ روپروری کوشک و کاشتن درختان بلند در دو طرف آن نقشی اساسی در ایجاد پرسپکتیوی دارد که باغ را طولانی تر جلوه گرمی سازد» (تصویر ۸)، (انصاری، ۱۳۹۳).



شکل ۹- کرت بندی های درختان در باعچه های باغ از نظم کلی باغ پریروی می نماید، به نظر می رسد که این نظم علاوه بر سهولت رسیدگی به درختان منجر به شکل گیری وحدت در رده های مختلفی در فضای باغ می گردد (ماخذ: نگارنده).



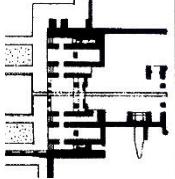
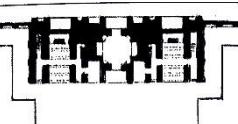
شکل ۸- تاکید بر پرسپکتیو منظر اصلی باغ و ایجاد نمایی طولانی تر با استفاده از کاشت درختان در محور اصلی، البته علاوه بر سیستم کاشت، استفاده از شبیه- بندي زمین در به تصویر کشیدن پرسپکتیو طولانی تر در فضای باغ موثر است (ماخذ: نگارنده).

حوض آب که دقیقاً بر محور تقارن باغ اندرونی منطبق می باشد حوزه اندرونی را به دو کرت مستطیلی متقارن تقسیم می کند. «در اندرونی قسمت عمده باغ کرت بندی شده است. تناسبات کرت بندی ها از تناسبات دو حوزه مستطیل شکل تعیت می کند» (تصویر ۹)، در داخل کرت ها انواع درختان میوه کاشته می شود، از جمله درخت انجیر و درخت توت. همچنین در کرت ها نارنجستان، انارستان و تاکستان ایجاد می شد. در کرت های جانبی نیز گیاهان پوششی مانند پیچ امین الدله، شبدر، یونجه و اسپس کاشته می شود. عناصر انسان- ساخت در عرصه اندرونی باغ شامل عمارت هشتی، عمارت طبی، اصطبل و سایر بنای های خدمتی می باشد، این فضاهای در قسمت جنوبی عرصه خصوصی قرار گرفته و دارای حداقل فاصله با عرصه بیرونی باغ می باشند، همان گونه که ذکر شد، عمارت هشتی در انتهای جنوبی محور اصلی باغ قرار گرفته و فضای تابستان نشین محسوب می گردد، در سمت غرب عمارت هشتی، «عمارت طبی» بزرگ و مجللی قرار دارد که دارای بادگیری مریع شکل و رو به باغ است. در دو طرف تالار طبی، تالارها، صفه ها و شبستان هایی در یک طبقه جای دارد که در و روزن های آن ها به طبی باز می شود. در زیر طبی، زیرزمینی ژرف کنده اند که با دو پله مستقیم به باغ می پیوند و از طرف جنوب با راهرویی به محوطه زیر بادگیر ارتباط دارد (بی-نام، ۱۳۷۸). مؤلف جامع جغرافی به نقل متن وقفname با غ پرداخته است و در ادامه طرح عمارت هشتی و تالار طبی را شرح می دهد: (به نقل از نعیما، ۱۳۹۲): «... و در سمت شرقی عمارتی به طرح هشت ... طرح ریزی کرد هاند، حیاط خوضخانه ها هشتی طرحش ... آب حوض فلک را ... بر باد داده و اعجوبه بادگیر عیوق طرحش ... راه آمد و شد به کیوان گشاده ... جلوی آن ... عمارت از سه طرف هر طرفی حوضی مبنی است ... مقابل آن عمارت در سمت غربی که بدبایت باغ است طرح عمارت دیگر ریخته اند...» بازی با آب در این باغ، مثل دیگر باغ های ایران بسیار جالب بوده است.

در عرصه بیرونی یا باغ بهشت آین کرت بندی ها، سه حیاط بوجود آورده اند بطوریکه در دو طرف هر یک از حوض های مستطیل شکل، دو باعچه وجود دارد که در آن ها نیز گل های تریین کاشته می شده است، فاصله میان درختان را از گل سرخ پر می کردن (بی-نام، ۱۳۷۸). محور حوزه بیرونی که همان باغ بهشت آین می باشد بر محور اصلی باغ عمود است. مستطیل باغ بهشت آین توسط یک حوض مستطیلی بزرگ که عمود بر محور تقارن مستطیل است به دو قسمت مریع شکل تقسیم می شود که در واقع عرصه بندی فضاهای مختلف در باغ بهشت آین براساس همین مریع ها می باشد. در شمالی ترین قسمت عمارت به نام سردر شمالی احداث شده که به منزله ورودی باغ بهشت آین محسوب می گردد، در سمت غربی و شرقی باغ بهشت آین عمارت طهرانی و تالار آینه برای انجام امور اداری و حکومتی احداث شده است، در ضلع جنوبی عمارت سردر بهشت آین واقع شده است، این فضا حد واسط عرصه بیرونی و درونی باغ بوده و ورودی اصلی فضای اندرونی باغ محسوب می گردد. در جدول شماره ۱ می توان خصوصیات کالبدی هر کدام از فضاهای عرصه بیرونی و درونی را مشاهده نمود.

جدول ۱- خصوصیات کالبدی فضاهای تشکیل دهنده عرصه بیرونی و درونی باعث دولت آباد

نام فضا	عرضه	ویژگی‌ها	پلان
بادگیر	عمارت	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ظرفیت حرارتی زیاد مصالح، استفاده از جریان باد به وسیله بادگیر و خوبشخان، ایجاد حوض آب در عمارت، ساخت طاق و قوس برای ایجاد فضایی دوطبقه در بروارها، ایجاد فضاهای متنوع برای حضور افراد.</li> <li>- برانگیزی احساس شناوی به وسیله حرکت آب، ایجاد نور مناسب در فضا با استفاده از روزنه‌ها و هورتوهای سقفی، تحریک حس لامسه به واسطه وجود رطوبت در فضا، بکارگیری حس بویایی به واسطه گیاهان اطراف عمارت.</li> <li>- مرکزگرایی در پلان، بکارگیری تعداد فرد در عناصر برای ایجاد تمرکز بصری، سلسله مراتب فضایی، تنوع فضایی به واسطه آتاق‌های دو طبقه، ایجاد وحدت با استفاده از رسمی‌بندی در سقف، نورپردازی رازآود با استفاده خوبیشخوان سقفی، نمادپردازی بهشت به واسطه ظهور آب در حوضخانه بنا.</li> <li>- بکارگیری مصالح و رنگ ساده در عمارت، پنهان و بینا شدن آب در بخش‌های مختلف عمارت، ایجاد وحدت به وسیله کثرت در تزییات، ایجاد فضایی مناسب و متتمرکز برای عبادت پروردگار</li> </ul>	
اندرونی	تالار طنبی یا عمارت حرمخانه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ظرفیت حرارتی زیاد مصالح، استفاده از جریان باد بنا به وسیله بادگیر، بکارگیری طاق و قوس‌های سازه‌ای، فرم هندسی منظم برای تسهیل ساخت.</li> <li>- وجود چشم‌انداز به عمارت بادگیر، وجود جریان باد در بنا و تحریک احساس لامسه و شناوی، بکارگیری حس بویایی به واسطه گیاهان اطراف.</li> <li>- تنوع فضایی، پلان متقاضی در قسمت جنوبی و نامتقاضی در ناحیه شمالی، سلسله مراتبی فضایی، جانمایی در ناحیه خارج از محور اصلی باعث</li> </ul>	
	اصطبل بزرگ	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ظرفیت حرارتی زیاد مصالح، ایجاد فضایی مناسب جهت تیمار احشام، قرارگیری در حاشیه باع برای جلوگیری از آلودگی فضاهای اقامتی مخاطبان</li> <li>- سادگی در پلان، فرم نامنظم، عدم وجود تقاضن</li> </ul>	
	ابینه خدماتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ظرفیت حرارتی زیاد مصالح، ابعاد اندک، نزدیکی به فضای اقامتی برای سهولت خدمترسانی</li> <li>- سادگی، تنوع فضایی برخست کارکرد بنا، فرم هندسی منظم، عدم وجود تقاضن در بنا</li> </ul>	
واسطه فضای اندرونی	عمارت سردر بهشت آبین	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ظرفیت حرارتی زیاد مصالح، بکارگیری عناصر سازه‌ای مثل طاق و قوس، ایجاد فضاهای متنوع با توجه به کارکرد عمارت، جلوگیری از نفوذ دید به قسمت اندرونی باع.</li> <li>- ایجاد چشم‌انداز مناسب به باع و بکارگیری قوه بصری، تحریک حس بویایی به واسطه وجود گیاهان مختلف در اطراف بنا، بکارگیری حس شناوی با حرکت آب در اطراف و وجود آبمنا در مقابل ورودی.</li> <li>- ایجاد تقاضن در پلان، مرکزگرایی نسی، سلسله مراتب فضایی، تنوع فضایی، واسطه میان اندرونی و بیرونی.</li> </ul>	
و بیرونی	آب انبار	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ظرفیت حرارتی زیاد مصالح، قرارگیری در عمق برای زمین، استفاده از طاق، استفاده از بادگیر برای حفظ بهداشت آب، استفاده از ساروج برای جلوگیری از نفوذ آب به زمین.</li> <li>- تقاضن و سادگی در پلان</li> <li>- قرارگیری در قسمت مشترک اندرونی و بیرونی برای سرویس‌دهی به هر دو بخش</li> </ul>	
بیرونی	تالار آبینه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ظرفیت حرارتی زیاد مصالح، وجود پاچنگ‌ها در زیر سقف برای تهویه و ورود نور، ایجاد فرم‌های قوسی برای تقویت سازه</li> <li>- وجود چشم‌انداز به باع بهشت آین، برانگیختن حس بویایی به واسطه گیاهان اطراف، تحریک حس شناوی ناشی از حرکت باد در فضا</li> <li>- تنوع فضایی، فرم هندسی نامنظم، ایجاد تقاضن نسی</li> </ul>	

	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ظرفیت حرارتی زیاد مصالح، وجود پاچنگ‌ها در زیر سقف برای تهویه و ورود نور، ایجاد فرم‌های قوسی برای تقویت سازه</li> <li>- وجود چشم‌انداز به باغ بهشت آین، برانگیختن حس بویایی به واسطه گیاهان اطراف، تحریک حس شنوایی ناشی از حرکت باد در فضا</li> <li>- تنوع فضایی، فرم هندسی نامنظم، ایجاد تقارن نسبی در محور شمالی و جنوبی</li> </ul>	عمارت طهرانی
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ظرفیت حرارتی زیاد مصالح، ایجاد عناصر سازه‌ای مثل طاق و قوس، فرم هندسی منظم برای تسهیل طراحی سازه‌ای</li> <li>- چشم‌انداز به باغ بهشت آین و عمارت سردر بهشت آین، تحریک حس بویایی به خاطر وجود گیاهان در اطراف بنا</li> <li>- سلسه مراتب فضایی، نظام ساختاری، مرکزگرایی، تقارن در پلان، قرارگیری در محور اصلی باغ</li> </ul>	عمارت سردر شمالی

### ۳- بحث و بررسی در یافته‌ها

با بررسی‌های صورت گرفته در ساختار باغ دولت آباد، به نظر می‌رسد که شکل‌گیری باغ، علاوه بر آنکه ریشه در آرمان‌ها و باورهای مخاطبان و تعریف قرآن از بهشت دارد، براساس اغانی سلسله نیازهای مخاطبان شکل گرفته باشد، این سلسله نیازها براساس تعاریف اسلامی از انسان تبیین گشته و منجر به ایجاد ساختاری منسجم و پاسخ‌گو در باغ‌سازی دوران اسلامی شده است، اما باید به این نکته توجه نمود که فضای باغ، نیازهای مادی و حسی را به صورت نسبی برآورده کرده و بستر برآورده شدن نیازهای عقلی و روحانی مخاطبان را فراهم می‌آورد.

ایجاد فضاهای گوناگون در طول تاریخ برای برآوردن نیازهای مختلف بشر صورت گرفته، همان‌گونه که انسان نخستین برابر رفع نیازهای مادی به فضای غار پناه برد (با اقتباس از زارعی، ۱۳۸۹) در دوران بعدی نیز انسان‌ها فضاهای مختلفی برای برآوردن نیازهای خود ایجاد نمودند، باغ در دوران‌های پیش و پس از اسلام براساس ایده‌ها و آرمان‌های مخاطبان فضا شکل گرفته است (البیبزاده، ۱۳۹۰)، باغ سازی در این ادوار بیوهوده و برای برآوردن نیازها مراتب بالای نفس انسان شکل گرفته است، اما در بررسی‌های صورت گرفته به نظر رسید که روند پاسخ‌گویی فضا به نیازهای انسان‌ها به صورت طولی بوده و فضاهای در صورت پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و حسی قابلیت برآوردن نیازهای عقلانی و روحانی بشر را دارا باشند، می‌توان چنین بیان کرد که برآوردن نیاز در فضاهای در طول تاریخ به صورت نسبی و براساس جهان‌بینی هر تمدنی صورت گرفته است، بنابراین به نظر می‌رسد که تمدن‌ها دوران اسلام نیز براساس جهان‌بینی دین از انسان‌ها و نیازهایشان شکل گرفته باشد.

تعریف اسلام از انسان منجر به شناسایی نفس بر چهار لایه و سپس مشخص شدن نیازهای چهارگانه بشر گردید، نیازهای مادی برآمده از نفس نباتی و نیازهای حسی برخواسته از نفس حیوانیست، این نیازها در فضاهای معماری ترجمان انسان به آسایش، ایمنی، بهداشت و پس از آن ادراک محیط و تاثیراتش بر روان و آرامش انسان را نمودار می‌سازد، این نیازها بسترساز اغانی نیازهای عقلی و روحانی مخاطبان می‌باشند. براساس شواهد موجود، سیمای باغ دولت آباد در سه مرحله قابلیت خواشش و به تبع آن برآوردن نیازهای مخاطبان را دارد، در ابتدا سیمای خارجی باغ به عنوان آبادی حس مکانیت و «جایی بودن» را در مخاطبان القا می‌کند، خط آسمان این مکان به وسیله بادگیر ۳۰ متریش نشانه‌ای شهری ایجاد نموده و باعث خوانایی یکی از فضاهای شهری می‌گردد، براساس گفته لیچ (۱۳۵۰) خوانی شناخت آسان اجزای شهری و ایجاد قابلي به هم پيوسته در ارتباط با يكديگر است (قاسمي اصفهاني، ۱۳۹۴، ۱۳۹۴)، خوانایی در فضا باعث ایجاد حس آرامش (نياز حسی) در ذهن مخاطبان شده و شناسایی را بر ایشان راحت می‌گرداند (همان، ۱۳۹۰)، بنابراین می‌توان بیان کرد که وجود عنصر شاخص در خط آسمان باغ به عنوان یک آبادی برخی از نیازهای حسی مخاطبان را برآورده می‌سازد.

همان‌گونه که بیان شد، آبادی با محصور کردن یک فضا شکل می‌گیرد (شولتز، ۱۳۹۵، ۱۳۹۵). محصوریت در باغ دولت آباد به وسیله دیوار خشتشی صورت گرفته است، در این حصار جلوه‌هایی از برآوردن نیازهای چهارگانه انسان چهارگانه انسان شکل شناسایی است، در درجه اول دیوار نقش حفاظت و تأمین اینمی فضای درون باغ را داشته و منجر به آسایش اقلیمی فضا می‌گردد، این عنصر به وسیله ایجاد فضایی درون‌گرا، آرامش روانی مخاطبان را تأمین کرده است، دیوار پیرامونی باغ ایرانی نمادی از ممانعت رهیابی اهربین به فضای داخل است. همچنین بکارگیری مصالح ایدری در این حصار می‌تواند نمادی از قناعت و خلوص در معماری باغ می‌باشد.

در سیماشناصی فضای بیرونی باغ به عنوان یک نهاد عمومی، نیازهای مادی و حسی مخاطبان تاثیر بیشتری بر شکل‌گیری فضاهای مختلف دارد، وجود دو عمارت ورودی ناشی از اهمیت امنیت در باغ است، همچنین دیگر فضاهای ایجاد شده در جهت آسایش کارگزاران حکومتی و مخاطبان دستگاه حاکم شکل گرفته‌اند، علاوه بر این در این فضاها توجه به حواس مخاطبان و

۱ اما نمی‌توان این قاعده را متفق و قطعی دانست، چون نمونه‌هایی در تاریخ یافت شده که حتی در صورت عدم بهره‌گیری از فضای مناسب، نیازهای روحانی برآورده شده است، به طور مثال می‌توان به رشد معنوی و روحانی پیامبران در شرایط ویژه نام برد.

بهرگیری از مقیاس‌های انسانی برای برآوردن نیازهای حسی آنان نیز مشهود است، مقیاس انسانی از این جهت در فضاهای باع بهشت آینین دارای اهمیت است که در مخاطبان ایجاد آرامش می‌نماید، بنابراین برآوری نیازهای مخاطبان به صورت نسبی در فضاهای بیرونی باع قابل خوانش است. در بررسی باع به عنوان خانه نیز می‌توان مراتب گوناگون برآوردن نیازهای مخاطبان را شناسایی نمود، استفاده از درختان و گیاهان، بنای همساز انسان از اقليم و پرورش انواع میوه‌ها و گل‌های دارویی در جهت رفع احتیاجات مادی مخاطبان و ساکنان باع است، همچنین با بکارگیری حواس مختلف مخاطبان و بازی نور و رنگ در فضاهای انسان‌ساخت و طبیعی و مردموار بودن فضاهای ناشی از اهمیت دادن به نیازهای حسی ایشان است، برآوردن نیازهای مادی و حسی، بستر مناسبی برای پرداختن به نیازهای عقلی و روحانی ایجاد می‌نماید، در محور اصلی باع، آب نقشی فراتر از ایجاد رطوبت و زیبایی و آوابی دلنشیں دارد، آب در باع خالص است و تفکرانگیز، آب نمادی از بهشت و عنصر کاملی است که در کل زندگی در آن قرار داده شده است، این عنصر طبیعی نشانه‌ای از نشانه‌های پرودگار است، چنین به نظر می‌آید که خاک نیز در باع ایرانی معانی نمادین یافته و تداعی خصوع در برابر رب است. درختان و گیاهان نیز ریشه در خاک داشته و سر به افلاک می‌ساید، درختان و گیاهان باع علاوه براینکه عناصری برای تنظیم شرایط اقلیمی باع هستند، پدیده‌هایی مهم برای ادراک محیط، ایجاد تفکر و معنا پردازی محسوب می‌گردند.

سیماشناصی فضاهای انسان‌ساخت باع نیز دال بر شواهد زیادی برای برآوردن نیازهای گوناگون مخاطبان دارد، این فضاهای همساز با اقليم شرایط مناسب حرارتی و آسایشی را تامین نموده و به طُرق مختلفی از جمله وجود نور و رنگ، بافت مصالح، بکارگیری حواس و ... نیازهای حسی مخاطبان را برآورده می‌سازد، این بنای علاوه بر گشودگی و ارتباط با طبیعت، در صورت لزوم تبدیل به فضای بسته برای پندپذیری و تنبه می‌شوند، در فضاهای انسان‌ساخت باع در عین زیبایی و شکوه، سادگی و خلوص قابل ادراک است، همان‌گونه که گفته شد، سادگی و خلوص از راهبردهای معماران آن دوران برای برآوردن نیازهای عقلانی و روحانی مخاطبان آثار معماری است، بنابراین چنین به نظر می‌رسد که در این فضا نیز اغایی نیازهای مخاطبان به صورت نسبی قابل خوانش و شناسایی است.

در موضع شناسی فضای باع، آنچه که بیش از دیگر عوامل خودنمایی می‌کند، وجود دو عرصه بیرونی و درونی در جبهه‌های شمالی و جنوبی باع است، وجود این دو عرصه ناشی از نیازهای دستگاه حاکم به فضای زندگی خصوصی و فضایی مناسب برای پاسخگویی به مراجیین حکومت است، همان‌گونه که ذکر شد، وجود دو عمارت سردر در فضای باع برای حفظ امنیت و آرامش آن است، قرارگیری فضاهای اقامتی در دورترین نقطه نسبت به فضاهای مشاع و بیرونی باع، علاوه بر حفظ امنیت فضای اندرونی، باعث ایجاد چشم‌اندازهای طولانی و زیبایی از هم‌جواری ابینه و عناصر طبیعی (مثل درختان و آب) می‌شود، به واسطه همین جانمایی فضاهای طبیعی و انسان‌ساخت، هر فضا در عین حفظ حدود خود با دیگر فضاهای هم آغوش است و باعث ایجاد تفکر در مخاطبان می‌گردد، سلسله مراتب فضایی در تمامی فضاهای باع، کثرت در عین وحدت بین عناصر آن و ایجاد فضاهای خالی در باع، یادآور مقاهمیت توحیدیست.

از لحاظ گونه شناسی، فضای باع در سه دسته قابلیت خوانش دارد: از لحاظ عملکردی، باع، فضایی حکومتی-سکونتگاهی است، به لحاظ کالبدی باع-حیاط بوده و از لحاظ سبکی متعلق به سبک اصفهانی می‌باشد، به نظر می‌رسد که عملکرد و کالبد باع براساس نیازهای مادی و حسی مخاطبان شکل گرفته باشد. با توجه به این موضوع که باع دارای سبک اصفهانی بوده (پیرنیا، ۱۳۸۹)، می‌توان اظهار کرد که در این فضا علاوه بر نیازهای مادی و حسی، توجه فراوانی به نیازهای عقلانی و روحانی مخاطبان شده است (با اقتباس از حبیبی، ۱۳۹۳). در جدول ۲ می‌توان انواع مولفه‌های زبان فضای باع با توجه به نیازهای انسان از منظر اسلام را مشاهده نمود.

جدول ۲- بررسی انواع مولفه‌های زبان فضای باع در دولت‌آباد یزد با توجه به نیازهای انسان از منظر اسلام

نیازهای انسان	سیماشناصی	موقع شناسی	سبک‌شناسی
نیازهای مادی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تنویر در کفسازی باع با توجه به مسیرهای حرکتی</li> <li>- حرکت آب در تمام مسیر حرکت برای ایجاد رطوبت</li> <li>- قرارگیری درختان سایه‌انداز در جدارهای برای ایجاد آسایش</li> <li>- قرارگیری گیاهان در سطح پایین جداره برای ایجاد شرایط پهداشتی مناسب در طول مسیر</li> <li>- ایجاد سطوح پرداخت شده در جداره گونه-های مصنوعی برای جلوگیری از نفوذ حشرات موذی</li> <li>- ارتفاع کم درختان مثمر برای راحتی بهره-</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- مجاورت گونه طبیعی و مصنوعی برای افزایش رطوبت، سایه‌اندازی و ایجاد کوران</li> <li>- قرارگیر گیاهان در محور اصلی برای ایجاد فضایی بهداشتی</li> <li>- جانمایی درختان مثمر در بخش‌های خصوصی و عمومی برای برطرف کردن نیازهای مقیمان دائم و موقت</li> <li>- جانمایی آبنایار برای استفاده خصوصی و عمومی</li> <li>- اختصاص فضاهای فرعی در حاشیه برای فعالیت‌های بهداشتی و خدماتی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- توجه به نیازهای کالبدی در باع به وسیله ایجاد حیاط</li> </ul>

سبک‌شناسی	موضوع‌شناسی	سیما‌شناسی	نیازهای انسان
		برداری - ایجاد حداقل نور و تهویه با ایجاد بازشووهای مناسب	
توجه به نیازهای حسی در باغ به وسیله ایجاد باغ- حیات	- عبور آب از مواضع حرکتی و ایجاد محیطی مطبوع و آرام - بازی نور و سایه در مسیرهای حرکتی به واسطه وجود درختان سایه‌انداز - استنشاق بوی نم و گیاهان به دلیل قرارگیری عناصر طبیعی در مجاورت عمارت‌ها - ایجاد تابستان مناسب در احداث گونه‌های مصنوعی برای آرامش بصری - ایجاد سایه روشنهای متعدد با توجه به فاصله مناسب گونه‌های طبیعی و مصنوعی از هم - تحریک حس شنوایی در مسیر حرکتی به واسطه حرکت پاد از میان درختان سایه‌انداز و حضور پرندگان در نزدیکی فضاهای اقامتی	- ایجاد تنوع بصری در مصالح کف باغ برای جلوگیری از خستگی بصری - وجود رنگ‌های طبیعی و مصنوعی هماهنگ در کفسازی مسیرهای و کاشی- کاری حوض‌ها - وجود رنگ‌های هماهنگ در جداره‌های طبیعی و مصنوعی - ایجاد بافت‌های مناسب با توجه به احساس- های مختلف مخاطبان - سادگی بصری در فرم گونه‌های مصنوع در مقابل بغرنجی بصری گونه‌های طبیعی برای ایجاد آرامش - تنوع رنگ و نور با ایجاد بازشووهای متعدد در ریز- گونه‌های مصنوعی	نیازهای حسی
توجه به نیازهای عقلانی در باغ با ایجاد باغ- حکومتی- سکونتگاهی	- قرارگیری بخش بیرونی در شمال فضا برای حفظ حریم خصوصی در باغ - قرارگیری فضاهایی معماری و طبیعی به صورت رمزی و تفکربرانگیز با استفاده از نمادها - درون گرایی در کلیت و بروون گرایی در فضاهای هم‌آغوشی فضاهای مصنوع و طبیعی - استفاده از نور و معانی آن برای بیان مفاهیم معنگرایی (مهمترین تشییه برای خدا در قرآن نور است) - استفاده از آب و خاک در تمامی فضاهای باغ برای تداعی عوالم برتر - همچوایی طبیعت و معماری برای برانگیختن تفکر	- توجه به درون گرایی و دعوت‌کنندگی در عمارت‌های ورودی - توجه به حرکت با استفاده از عناصر طبیعی و مصنوعی در جداره‌ها - ایجاد خوانایی و سکون بصری با استفاده از قرار دادن مهمترین عمارت بربروی محور اصلی - بکارگیری شیشه‌های رنگی برای ایجاد آرامش قلبی و ذهنی - طراحی فضاهای جانبی در اطراف عمارت اصلی و امکان ارتباط مستقیم با زمین، گیاهان و درختان، آب و آسمان - ایجاد تمرکز و سکون با استفاده از تقارن در نما و پلان ریز- گونه‌های مصنوعی - برانگیختن تفکر با بکارگیری فرم‌های طبیعی	نیازهای عقلانی
توجه به نیازهای روحانی با استفاده از سبک معنگرا (سبک اصفهانی)	- اهمیت فضاهای خالی برای نمایش دادن اصل توحید - قرارگیری عناصر شبیه‌ی طبیعی و نمادپردازی عنصرهای تنزیه‌ی برای ایجاد اصل قناعت - تداعی‌گری اصل تواضع با پرهیز از بکارگیری فضاهای بسیار عظیم - قرار دادن عظیم‌ترین عنصر باغ در دورترین نقطه برای پرهیز از ایجاد حس عظمت - پیروی از طبیعت و طبیعت‌سازی برای ایجاد حس معنویت - توجه به سادگی در ایجاد مواضع گونه‌ها برای پرهیز از ایجاد فضاهای بغرنج	- ایجاد مسیر آب در محور اصلی به عنوان نمادی از عناصر پهشتی - ایجاد تصویری از گونه‌های مصنوعی و طبیعی در آب به عنوان نمادی از فانی بودن - رعایت مقیاس انسانی در ایجاد فضاهای برای مردم‌وار بودن فضاهای و پرهیز از ایجاد فضاهای حقیرکننده - بکارگیری مصالح ساده و بومی برای رعایت اصل سادگی در جداره‌ها و کف - توجه به بالا با تلیق خط آسمان گونه‌های طبیعی و مصنوعی - ایجاد سادگی با پرهیز از تزئینات زیاد و تجمل‌گرایی در فضاهای	نیازهای روحانی

#### ۴- نتیجه‌گیری

باغ‌سازی ایرانی در طول تاریخ تبلور ایده‌ها و آرمان‌های مخاطبان در شکل‌گیری کالبد و محتوای آن است، این ایده‌ها با توجه به شرایط زمان و مکان دستخوش تغییرات شده و این تطور باعث دگرگونی ساختار فضای باغ بوده‌اند. در دوران اسلامی نیز این اندیشه‌ها براساس مبانی نظری دینی شکل گرفته و دارای تأثیرات فراوانی بر ساختار و محتوای باغ‌ها بوده‌اند، در تحقیقات گذشته

مشخص گردید که باغسازی دوران اسلامی در ایران براساس تعاریف قرآن از بهشت شکل گرفته است. این تحقیق با دیدگاهی متفاوت، باغ را از منظر دیگری از مبانی اسلامی سعی در اثبات فرضیه شکل گیری باغ براساس نیازهای مخاطبان داشت. با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که نفس انسان در چهار لایه نباتی، حیوانی، عقلانی و روحانی تعریف شده و نیازهای وی متناظر با این چهار لایه شامل نیازهای مادی، حسی، عقلانی و روحانی می‌باشد، با بررسی‌های صورت گرفته به وسیله پدیدارشناسی زبان فضای در باغ دولت آباد بیزد، به نظر می‌رسد که در باغسازی دوران اسلامی سعی در برآوردن نیازهای مادی و حسی مخاطبان به صورت نسبی شده تا بستر مناسب برای برآوردن نیازهای عقلی و روحانی ایشان ایجاد شود، چون سیر تکامل انسان‌ها امری جبری نیست و مسیری آگاهانه و اختیاری دارد، بنابراین به نظر می‌رسد که می‌توان نظریه ایجاد باغ در دوران اسلامی برای پاسخ‌گویی به سلسله نیازهای مخاطبان به عنوان نظریه هنجاری مطرح کرد، لازم به ذکر است که این نظریه جهت تکمیل نظریه شکل گیری باغ در دوران مختلف براساس ایده‌های معنوی بوده و ناقص آن نمی‌باشد.

## منابع

۱. «قرآن کریم».
۲. استروناخ، دیوید، (۱۳۷۰)، «شکل گیری باغ‌های سلطنتی پاسارگاد و تاثیر آن در باغسازی ایرانی»، ترجمه: حمید شاهرخ، اصفهان: نشر خاک.
۳. انصاری، مجتبی، (۱۳۹۳)، «باغ ایرانی»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، انصاری، مجتبی، محمودی نژاد، هادی، (۱۳۸۶)، «باغ ایرانی تمثیلی از بهشت، با تأکید بر ارزش‌های باغ ایرانی دوران صفوی»، هنرهای زیبا، شماره ۲۹، صص ۴۸-۳۹.
۴. آتشمن، ایروین، (۱۳۸۲)، «محیط و رفتار اجتماعی: فضای شخصی، قلمرو و ازدحام»، ترجمه: علی نمازیان، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵. بهشتی، سید محمد، (۱۳۸۷)، «جهان باغ ایرانی»، گلستان هنر، شماره ۱۲۵، صص ۱۵-۷.
۶. بی‌نام، (۱۳۸۷)، «باغ ایرانی حکمت کهن منظر جدید»، تهران: انتشارات موزه هنرهای معاصر.
۷. پوپ، آرتور آپلم، آرکمن، فلیپس، (۱۳۸۷)، «سیری در هنر ایران»، ترجمه: نجف دریاندرا و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. پیرنیا، محمد کریم، (۱۳۸۹)، «سبک‌شناسی معماری ایرانی»، تهران: انتشارات سروش دانش.
۹. تقوایی، سید حسن، (۱۳۹۰)، «باغ ایرانی: زبانی رمزآلود، منظر»، شماره ۱۶، صص ۶-۱۱.
۱۰. حبیبی، محسن، (۱۳۹۳)، «از شار تا شهر»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. حسن‌زاده آملی، حسن، (۱۳۷۷)، «هزار و یک نکته»، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
۱۲. حمزه‌نژاد، مهدی، خراسانی مقدم، صبا، (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی مزاهای اسلامی در ایران، براساس مفاهیم قدسی تشبیه، تنزیه، جمال و جلال»، مطالعات معماری ایران، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۲۸.
۱۳. حیدرنتاج، وحید، (۱۳۸۹)، «باغ ایرانی»، تهران: مرکز پژوهش‌های فرهنگی.
۱۴. حیدرنتاج، وحید، منصوری، سید امیر، (۱۳۸۸)، «نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل گیری باغ ایرانی»، باغ نظر، شماره ۱۲۵ صص ۱۷-۳۰.
۱۵. راپاپورت، آموس، (۱۳۸۴)، «معنی محیط ساخته شده (رویکردی در ارتباط غیر کلامی)»، ترجمه: فرح حبیب، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۱۶. شاملو، سعید، (۱۳۸۸)، «مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی»، تهران: نشر آثار هنری.
۱۷. شجاعی، محمدصادق، (۱۳۸۶)، «نظریه‌های معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو»، دوفصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی، شماره ۱، صص ۸۷-۱۱۶.
۱۸. فلامکی، محمدمنصور، (۱۳۹۱)، «ایرانیان و باغ، سرزمین‌های باغ ایرانی»، منظر، شماره ۲۱، صص ۷-۹.
۱۹. قاسمی اصفهانی، مروارید، (۱۳۹۴)، «اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به بافت‌های مسکونی)»، تهران: انتشارات روزنه.
۲۰. قهاری، علی‌رضا، (۱۳۷۹)، «عمارت هشت باغ دولت آباد، معماری و فرهنگ»، شماره ۷، صص ۸۲-۸۴.
۲۱. لبیب‌زاده، راضیه، حمزه‌نژاد، مهدی، خان‌محمدی، محمدعلی، (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیق تأثیر ایده‌های معنوی در شکل باغ، مطالعه موردی باغ پاسارگاد از دوره هخامنشی و باغ فین از دوره اسلامی»، باغ نظر، شماره ۱۹، صص ۳-۱۶.
۲۲. لنگ، جان، (۱۳۹۳)، «آفرینش نظریه‌های معماری»، ترجمه: علی‌رضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. مازلو، ابراهام، (۱۳۷۴)، «انگیزش و شخصیت»، ترجمه: احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۴. مرتضوی، شهناز، (۱۳۸۰)، «روانشناسی محیط و کاربرد آن»، تهران: انتشارات شهید بهشتی.
۲۵. نعیما، غلام‌رضا، (۱۳۹۲)، «باغ‌های ایرانی»، تهران: انتشارات پیام.

۲۷. نقره کار، عبدالحمید، (۱۳۹۴)، «برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری»، تهران: فکر نو.
۲۸. نقره کار، عبدالحمید، مظفر، فرهنگ، تقدیر، سمانه، (۱۳۹۳)، «بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخ گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام مطالعه موردنی: خانه‌های زینت الملک شیراز و بروجردی‌های کاشان، شهر ایرانی اسلامی»، شماره ۱۵، صص ۲۱-۳۴.
۲۹. نقی‌زاده، محمد، (۱۳۹۲)، «تاملی در مبانی و جلوه‌های زیبایی باغ ایرانی»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۸۳، صص ۳۴-۴۵.
۳۰. نوربری شولتز، کریستین، (۱۳۹۵) «مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی»، ترجمه: محمود امیر یاراحمدی، تهران: نشر آگه.
۳۱. ویلبر، دونالد نیوتون، (۱۳۹۰)، «باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن»، ترجمه: مهین دخت صبا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
32. Holloway I, Wheeler S. (2002). Qualitative Research in Nursing. Thousand Oaks: Oxford Co.
33. Murrag, H.A. (1938). Exploration in personality: A Clinincal and experimental study of fifty men of college age. New York: Oxford University press.
34. Van Manen M. (1990). Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy New York, State University of New York Press.